

انواع لحن در زبان فارسی

لحن:

لحن یعنی آواز خوش و موزون، نوا، کشیدن صدا یا اجتماع حالت های صداهای مختلف (دهخدا)

لحن، نحوه خواندن و بیان کردن جملات است با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر جمله و کل متن. باید دانست که به هنگام ادا کردن متن، نه تنها هر متن لحن خاص خود را می طلبد، بلکه هر بند و هر جمله نیز به تنهایی لحن خود را دارد و ممکن است در هر بند انواع و اقسام لحن ها و حالات به کار گرفته شود و در کنار این موارد در هر جمله، هر کلمه نیز می تواند شکل و آوای خاص خود را داشته باشد

انواع لحن و آهنگ های کلی زبان فارسی :

لحن ستایشی

ستایش مخصوص خداوند است و شاعر یا نویسنده خداوند را در آن به خاطر خواننده نیز باید خود را موجودی از آفریده های او بدانند که تسلیم او و شاکر بخشش ها و آفرینش اوست؛ مانند مثال زیر :

«آفرین جان آفرین پاک را آن که جان بخشیدو ایمان خاک را»

این حالت که در آن عظمت خداوند یاد می شود، از طرف دیگر، خواری و کوچکی شاعر یا نویسنده را در پی دارد.

لحن مدح

مدح، نوشته ای در باره انسان است که شاعر از طریق آن، با کوچکتر دانستن خود در مقابل ممدوح، به بیان مطالبی می پردازد. در مدح ها ، همان حالات باید رعایت شود اما اختلاف آن ها با ستایش در این است که در ستایش، شاعر یا نویسنده آزادانه تر می تواند حرف خود را بزند اما در مدح ها، به ویژه مدح حاکمان، این کار امکان پذیر نیست. مدح را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف: مدح بزرگان دینی و مذهبی چون پیامبر (ص) و امامان (ع)

ب- مدح سلاطین و حاکمان

ج- مدح افراد ی بزرگ که خدمتی به جامعه یا شخصی کرده اند

لحن خاطره

خاطره، داستان یا حادثه ای است که در خاطر انسان باقی می ماند و آن قدر برای نویسنده اهمیت داشته که آن را نوشته است. خواننده خاطره ها باید آن را به گونه ای بخواند که گویی برای خودش اتفاق افتاده است .

لحن حماسی

حماسه به معنای داستان دلاوری و شجاعت است؛ کسی که شعر حماسی را می‌خواند باید به گونه‌ای بخواند که این دلاوری‌ها را به شنونده منتقل کند؛ پس لحن حماسی لحنی کوبنده و استوار است.

بهترین نمونه برای لحن حماسی " شاهنامه فردوسی " است.

لحن داستانی - روایی

حکایت، تعریف کردن صمیمانه داستانی کوتاه با آهنگی نرم و ملایم است به گونه‌ای که شنونده یا از آن پند بگیرد و یا تحت تاثیر قرار بگیرد. آغاز چنین لحنی از گذشته با قصه‌خوانی‌ها همراه بود؛ قصه‌هایی که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت و در بر دارنده مفاهیمی چون راد مردی، خوبی، از خود گذشتگی، بخشش و... بود و با عبارت " یکی بود، یکی نبود " آغاز می‌شدند. بعد از قصه، داستان‌ها و حکایت‌ها شکل گرفتند و با مفاهیمی چون آموزه‌های زندگی، پند‌ها و اندرزها همراه بوده‌اند. حکایت‌ها معمولاً با عباراتی نظیر " آورده‌اند که ... " ، " یکی را شنیدم ... " ، " روزی ... " ، " شنیدم ... " ، " نقل است که ... " آغاز می‌شود.

لحن تعلیمی (اندرزی)

این لحن که به لحن اندرزی (لحن آمرانه یا پدران) نیز موسوم است، تلاش می‌کند با گویشی آرام و آهسته، در دل شنونده نفوذ کرده و نکات مهم خوب زیستن را به مخاطب خود القا کند. در ایران این گونه نوشته بیشتر برای پند و اندرز به کار می‌رود. نویسنده این گونه متون، خود را به جای انسانی آگاه می‌گذارد و از زبان او که بیشتر شبیه به پدران یا معلمان دلسوز است با مخاطب خود سخن می‌گوید؛ به همین دلیل لحن متن‌های تعلیمی، لحنی پدران است و خواننده آن نیز باید به هنگام خواندن، خود را پدر یا معلمی فرض کند که می‌خواهد نکاتی را به فرزندان یا شاگردانش بگوید

لحن گفت و گو (مناظره / پرسش و پاسخ)

گفت و گوها انواع مختلفی دارند :

۱- مناظره :

مناظره رقابت کردن با یکدیگر در بحث و گفت و گو یا پرسش و پاسخ است. در این نوشته‌ها معمولاً لحن پرسش‌کننده تند و محکم، به دور از خردگرایی است؛ در حالی که لحن پاسخ‌دهنده همواره آرام و متین و توأم با خرد است. خواننده چنین متنی می‌تواند همانند یک بازیگر نقش‌آفرینی کند؛ یعنی در عین حال دو لحن را با دو چهره متفاوت بیان کند. گاه با این طرف و آن طرف رفتن جایگاه و صدای خود را تغییر می‌دهد که مفهوم را بهتر بتواند بیان کند.

۲- رجز خوانی :

که هر دو نفر به شرح دلاوری ها و نژاد و افتخارات خود با لحنی حماسی می پردازند؛ مانند : رستم و اسفند یار در شاهنامه ی فردوسی .

3 . گفت وگو های عادی :

این گفت وگو ها باتوجه به فضای داستان ها وعواطف موجود در آن ها شکل ولحن خاص خود را می یابند؛ مانند : گفت وگو ی رستم با سهراب پس از زخمی شدن .

لحن طنز

طنز از قدیم در نظم ونثر فارسی رایج بوده است وبیشتر در قالب حکایت خودنمایی کرده است. در طنز ها معمولاً جملات پایانی باید بیشترین تأثیر را بر روی خواننده بگذارند تا از طریق آن بتواند لبخند را بر روی لبان مخاطب بنشانند.

لحن توصیفی

توصیف یعنی وصف کردن و بیان جزئیات وویژگی ها یا آوردن صفات وقید های حالت پیاپی برای چیز هایی که قرار است برای شنونده بازگو کنیم؛ این صفت ها می توانند یا به ظاهر افراد واشیا پردازند یا به حالات مختلف رفتاری یا حرکات او در توصیف، نویسنده چیزی را که می بیند با استفاده از آرایه هایی چون تشبیه وتشخیص به زبان می آورد .
توصیف معمولاً برای انسان ها، اشیا، طبیعت و عناصر آن چون درخت و سبزه و گل، دریا و کوه و جنگل است.

لحن میهنی / وطنیه

وطنیه که به آن " مام وطن " نیز می گویند، شعری است که در وصف میهن سروده می شود و شاعر در آن می کوشد تا با تحریک احساسات ملی گرایانه و وطن دوستانه مخاطبان خود، آنان را به پاسداری و محافظت از کشور خود برانگیزد کردن احساسات او نیز پردازد.

لحن شبه جمله ها (اصوات)

در زبان فارسی ظرفیتی وجود دارد که گاهی به جای گنجاندن معانی و مفاهیم در قالب یک جمله کامل، از بافت های کوتاهی استفاده می کنیم که به ظاهر، ساخت جمله را نشان نمی دهند ولی از نظر پیام مفهوم، معنای یک جمله را می رسانند.

شبه جمله دو نوع است :

- صوت یا اصوات
- ندا و منادا

صوت کلماتی را می گویند که بیانگر یکی از حالات و عواطف و احساسات ما باشند. صوت ها سر شار از بار عظیم احساسی - عاطفی هستند؛ به همین سبب هنگام خواندن با کشش و برجسته سازی آوایی باید خوانده شوند. یعنی امتداد آوایی تاثیر گذاری دارند؛ مانند: هان، آوخ، آه و
لحن جملات منادایی
در زبان فارسی به هر کلمه ای که بعد از حروف ندای " ای، یا، ایا و ... " بیاید، منادا می گویند و به هنگام خواندن باید آن را به شیوه خطابی خواند؛ یعنی باید آن کلمه را جوری خواند که گویی نام پس از این حروف را صدا می کنیم؛ مانند: " گفتم: ای سعدی! تو هم سخنی بگویی از آن ها که دیده ای و شنیده ای."

لحن جملات شرطی

جمله ی شرطی جمله ای است که نیازمند جمله ای دیگر است تامعنی اش کامل شود. در این نوع از جمله ها معمولاً یکی از حروف «اگر»، «شاید»، «مگر»، «تا» و... به کار رفته است؛ پس به هنگام خواندن جملات مرکبی که یک جزء آن جمله ی شرطی است، باید از دولحن استفاده کرد. به مثال زیر توجه کنید: «من چیزی به او نگفته ام مگر این که شما گفته باشید.»

لحن جملات امر و نهی

جملات امری جملاتی هستند که در آن ها به دستور دادن، خواهش ، سفارش یا دعا، کاری از شنونده خواسته می شود.

لحن جملات توضیحی

این جملات که معمولاً به دو نقطه(:) ختم می شوند وتوضیح اصلی وجزء به جزء مطالب را پس از دو نقطه به همراه دارند، باید به نحوی خوانده شوندکه با رسیدن به این علامت(:) شنونده را منتظر شنیدن بقیه مطلب که مهم ترین قسمت آن نیز هست، نگاه دارد.

لحن جملات عاطفی یا تعجبی

جملات عاطفی که علامت تعجب(!) رادر پایان خود دارند، بیانگر عواطف نویسنده اند واحساساتی چون خشم، نفرت، شوق، لذت، تعجب و... هستندخواننده این جملات باید خودرا با احساسات نویسنده هماهنگ کند ولحنش رابراساس هریک از موارد نام برده شکل دهد. تأکید در این جملات معمولاًبرروی کلمه تعجبی است وکلمه پس از آن باید با احساس بیشتری خوانده شود.